



غزل توحید

بر اساس زندگینامه جانباز جبهه افغانستان دکتر محمود محمودی

ملیحه محمودی بیات

ناشر: میراث فرهیختگان Miras Farhikhtegan Publications

۰۹۱۲۸۵۱۹۹۸۵ و ۰۲۱۵۵۵۴۰۷۶۵

ناظر چاپ: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض

Novin Pazhuhesh Fayyaz Art and Cultural Institute

چاپ اول / شهریور ۱۴۰۰ شمسی / شمارگان: ۵۰۰ نسخه

محل نشر: تهران / قطع: رقعی / قیمت: ۴۰ هزار تومان

مالکیت مادی و معنوی این اثر برای نویسنده محفوظ است

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۷۷-۹۲-۷

ISBN:978-622-7377-92-7



Charterhouse International Co., Ltd.
All Charterhouse shares of 40.00
All Charterhouse shares of 40.00
Fayyaz 1304442.com



سرشناسه : محمودی بیات، ملیحه، ۱۳۴۹ -

Mahmoodi Bayat, Maliha

عنوان و نام پدیدآور : غزل توحید براساس زندگینامه جانباز جبهه افغانستان
دکتر محمود محمودی / ملیحه محمودی بیات.

مشخصات نشر : تهران: میراث فرهیختگان، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری : ۱۹۸ص.: عکس (رنگی)؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک : 978-622-7377-92-7 : ۴۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فیلد: _____

فهرست نویسی

موضوع : محمودی، محمود، ۱۳۴۰ -

موضوع : ایثارگران جنگ -- افغانستان -- خاطرات

موضوع : War participants -- Afghanistan -- Diaries* :

رده بندی کنگره : DS۳۷۱ :

رده بندی دیویی : ۹۵۸/۱۰۴۰۹۲ :

شماره کتابشناسی : ۸۴۶۴۱۲۶ :

ملی

اطلاعات رکورد: فیا

کتابشناسی

فهرست مطالب

۵	فهرست مطالب
۹	مقدمه
۱۳	بخش اول: در کنار خانواده
۱۵	تولد
۱۷	کانون خانواده
۲۳	عشق به پدر
۲۴	ورزش
۲۶	نقاشی
۲۸	موسیقی
۳۴	کار
۴۹	بخش دوم: هجرت و جهاد
۵۱	آغاز فعالیت‌های سیاسی

۵۵.....	آغاز مبارزات سیاسی
۵۵.....	شاهد عینی
۶۱.....	هجرت تا جهاد
۶۱.....	آغاز سفر
۶۳.....	هجرت
۶۶.....	خدا حافظ کابل
۶۹.....	قندهار
۷۷.....	شندن هرات
۸۶.....	مشهد مقدس
۹۲.....	بندرعباس
۹۹.....	تهران (بخش اول)
۱۰۴.....	تهران (بخش دوم)
۱۰۸.....	تدارکات بازگشت به افغانستان
۱۱۳.....	زاهدان
۱۱۶.....	بامیان
۱۲۲.....	قریه لشمک
۱۳۰.....	خوگانی
۱۳۲.....	قریه قریباغی
۱۳۶.....	انفجار مین در قریه قر باغی
۱۴۱.....	بخش سوم: صبر و استقامت
۱۴۶.....	اسلام آباد

مقدمه

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ
مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا * لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ
الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند صادقانه
ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت
نوشیدند) و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییری در پیمان خود ندادند؛
هدف این است که خداوند صادقان را به خاطر صدقشان پاداش دهد و منافقان
را هرگاه اراده کند عذاب نماید، یا (اگر توبه کنند) توبه آنها را بپذیرد؛ چراکه

خداوند آمرزنده و مهربان است.

وقتی بمشغالگران شوم، کشورم را به غارت بردند و چمنزار سبز شهرم را با خون پدر و صدها مثل او به لاله زاری مبدل کرده و به من گفتند: خدا و رسولی نیست و ما زاده طبیعتیم؛ و قلم را به دستم نهادند و ناخن‌های انگشتانم را دانه‌دانه کشیدند تا خاکم را به نام شان امضا کنم تا آخرین رمق‌های نفسم مقاومت نموده و زیر بار ننگ و ذلت نرفتم؛ زیرا از هزاران مجاهد مردان راه خدا که بدن‌های پاکشان زنده‌به‌گور شدند آموختم راه سرخ امام حسین علیه‌السلام ادامه دارند: «کل يوم عاشورا کل ارض كربلا».

افغانستان کشوری است با مساحتی حدود ۶۵۰,۰۰۰ کیلومترمربع، در منتهی‌الیه شمال شرقی، ولایت واخان، با جمهوری خلق چین، در شمال، با اتحاد شوروی^۱، در مغرب، با ایران و در جنوب و مشرق با پاکستان هم‌جوار است که به دلیل همین اهمیت استراتژیکی، تاریخ پرفرازونشیبی داشته و بارها مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته است.

این دفعه توسط مدعیان طرفدار خلق و حقوق کارگر، مورد هجوم وحشیانه شوروی سابق قرار گرفت و نهایت شقاوت و بی‌رحمی از سویی و مقاومت و

۱. امروزه با تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان همسایه است.

اوج شجاعت و مردانگی از سوی دیگر به نمایش گذاشته شد.

با وعده‌های توخالی آب‌ونان قصد فریب مردم را داشتند. غافل از اینکه ملت خداجوی ما فقر و گرسنگی را بر اسارت و بردگی ترجیح داده و فرق سرشان را به فولاد جنگ دادند اما هرگز بر سر دین و اعتقادشان با کسی معامله نکردند و به همین دلیل هنوز تاوان غیرت و شهامتشان را می‌پردازند و همچنان مورد تاخت‌وتاز استعمارگران قرار دارند.

به‌منظور تجلیل از حماسه‌سازان بی‌ادعا که برای دفاع از ناموس و شرف، جانشان را در طبق اخلاص گذاشتند و به ندای هل من ناصر ینصرنی فرزند پیغمبر خاتم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) لبیک گفتند خاطرات یکی از همان رهبانان ایثار و شهادت، یعنی برادر مهربانم دکتر محمود محمودی که برگرفته از زبان شیرین خودش می‌باشد را مرور می‌کنیم. او که برای حفظ جان مردان و زنان بی‌گناه منطقه قریباغی در حال خنثی نمودن بمب‌های جاسازی‌شده توسط نیروهای اشغالگر شوروی سابق، چشمان ظاهری خود را از دست داد اما چشم باطنش همچنان روشن به راهی است که پیام‌آوران آسمانی برای زدودن جهل و ظلم و بی‌عدالتی و نورانی نمودن قلب انسان‌های پاک به ارمغان آورده‌اند. قهرمانی که جانش را نثار کرد و جانان، چشمانش را پذیرفت.

امید می‌رود در زنده نگه‌داشتن یاد و خاطرات آن سفرکرده‌های کوی

دوست که بر سر سفره عزت و شرف حاصل از خون‌های به ناحق ریخته
شده‌شان نهشته‌ایم کوتاهی نشود.

ملیحه محمودی بیات / زمستان ۱۳۹۹

www.ketab.ir